

محمد پولکی پله شاهی  
کارشناس ارشد مطالعات اجتماعی

پیش بینی شده است، با چه هدف و منظوری، مسوولان اقتصادی می خواهند این برآورد مالی را تحقق بخشند، کاری بس دشوار و جای سوال دارد. با تغییر قوانین مالیاتی و اعمال معافیت های گوناگون، نزول نرخهای مالیاتی حق واگذاری، مشاغل و مستغلات، آیا درآمد موجود می تواند جوابگوی تامین بودجه در سال آینده باشد.

### مطالبه مالیات بر اساس خوداظهاری

مالیات ارزش افزوده که هنوز به صورت جدی اعمال نشده و هنوز در ابتدای کار و پس از یک آزمون ممکن است سربلند بیرون بیاید. این را آینده می گویند. به عنوان مثال فرهنگ خوداظهاری که نمونه بارز آن هنوز به شکل سنتی در جامعه پیاده می شود، آیا توانسته انتظارات را برآورده سازد؟ روش خوداظهاری در اجرای ماده ۱۵۸ قانون یک اصل پذیرفته شده در دنیاست و براساس یک اعتماد متقابل بین مردم و مأموران مالیاتی اعمال می شود و چنانچه مردم مطمئن باشند در ازای پرداخت مالیات خوداظهاری عرضه خدمات دولت بیشتر می شود و مالیات به درستی هزینه می گردد انگیزه مشارکتشان

مرکزی اعمال می شود و سیاست مالی که اصل کلی آن براساس وصول مالیات است. به این ترتیب دولت با افزایش و یا کاهش مالیات می تواند جلوی رکود و همچنین تورم کاذب را بگیرد.

در بودجه سال ۸۵ دولت که افزایش برداشت از حساب ذخیره ارزی را در برنامه خود دارد، رشد غیرعادی را نشان می دهد که آثار تورم سنگینی را برای جامعه به ارمغان می آورد.

در حالت رکود، چون اشتغال و تولید در جامعه کم است وظیفه دولت است که انگیزه سرمایه گذاری را بیشتر کند و مالیاتها را کاهش دهد تا نقدینگی مردم بیشتر شود و اشتغال رونق گیرد. پس مالیات به عنوان اهرمی در عرصه اقتصاد و با توجه به نوسانات متغیر پیش می رود.

لایحه بودجه سال ۸۵ دولت، نگرانی برخی از نمایندگان مجلس را نیز باعث شد تا جایی که کمیسیون تلفیق را بر آن داشت تا با یک بازنگری، تغییراتی را در بودجه دولت ایجاد نمایند. به نظر می رسد آنان درآمد مالیاتی دولت که ۲۷ درصد رشد نشان می داد را با ۶/۷ درصد افزایش برای سال آینده تنظیم کنند. با افزایش درآمدهای مالیاتی که

بالاخره برنامه اقتصادی دولت احمدی نژاد برای اداره کشور در سال آینده تدوین گردید و لایحه بودجه سال ۱۳۸۵ با تاکید بر اجرای مفاد برنامه چهارم توسعه، تقدیم مجلس شد.

بنا بر شواهد و قرائن به نظر می رسد هزینه های جاری این بودجه تنظیمی از محل درآمدهای غیرنفتی دولت و یا به طور کامل از طریق درآمدهای مالیاتی و سایر موارد مشابه تامین شود.

با این مقدمه کوتاه، نگارنده قصد دارد با تکیه بر تجارب خود نکاتی را به زعم خویش، راهگشا حضور متولیان اقتصادی و مالیاتی متذکر شود.

بنا به نظر مسوولان، هدف از مالیات گیری، ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع مناسب درآمد و ثروت در جامعه است بدین گونه که مالیات را از طبقه پردرآمد وصول و به طبقات پایین سرازیر و در قالب پروژه های عمرانی و آبادانی، به کار گرفته شود. همان اصلی که به عدالت اجتماعی و توزیع ثروت باز می گردد که این کار از طریق مکانیزم بودجه کشور که بخشی از آن از طریق وصول مالیات است تامین می شود. بنا بر نظر کارشناسان اقتصادی سیاست اقتصادی، کشور به دو گونه است: سیاست پولی که توسط بانک

بالا می‌رود. در نمونه‌گیری از خوداظهاری‌ها نیز هنوز هم به شکل قدیمی اعمال می‌شود و نقش اتحادیه و نمایندگان مجامع صنفی موثر است و مالیات آن به صورت توافقی مطالبه می‌شود که این مسئله هم با اصل خوداظهاری رایج در جهان مغایر است.

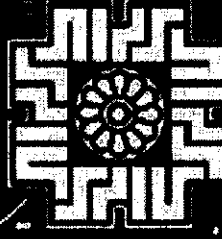
## مغایرت قوانین مالیاتی با رویه اخذ مالیات

بنابر نظر قانون چنانچه فردی اظهارنامه خود را در موعد مقرر تسلیم نماید طی یکسال مأمور مالیاتی مکلف است به حساب سود و زیان و نهایتاً مطالبه مالیات اقدام کند و چنانچه در موعد مقرر نتواند اظهارنامه خود را تسلیم حوزه مالیاتی خود کند، مأمور مالیاتی طی ۵ سال فرصت رسیدگی به پرونده مالیات وی را خواهد داشت.

حال با تدابیر اتخاذ شده از طرف مسوولان سازمان مالیاتی، کادر تشخیص نه به آن مهلت ۵ ساله اعتنا می‌رسد و نه به مهلت یکساله و در یک اقدام عجولانه و در یک زمان‌بندی دیکته شده، در یک فضای نامناسب و پر از استرس و البته با حداقل تحقیق، پرونده‌های مالیاتی می‌باید رسیدگی شود. سایر پرونده‌ها هم که اظهارنامه نداده‌اند بصورت علی‌الراس با همان زمان‌بندی خواسته شده رسیدگی می‌شود. جالب‌تر اینکه برای ادارات کل نیز سهمیه وصول مالیات تعیین کرده‌اند که آنان، مکلف و مجبور بر وصول آن هستند که با اصل شیوه مالیات‌گیری نوین مغایر است و این رسیدگی نمی‌تواند به صورت درست و جامع انجام شود و مؤدیانی که فعالیت چشمگیری داشتند به همین دلایل مالیات حقه خود را نمی‌دهند و یا مکانشان غیرفعال گزارش می‌شود که در هر دو حال جفای به ملت است.

## قضاوت در اخذ مالیات با کدام پاداش و امنیت

به نظر می‌رسد کار تشخیص، نوعی قضاوت است. کار مالیاتی چون با آمار و ارقام در ارتباط است به مراتب شاید حساس‌تر از شغل یک قاضی باشد. در دین اسلام سفارش شده است که قضاوت باید از رفاه اقتصادی و حقوق مکفی بر خوردار باشند تا بتوانند در کمال آرامش و سلامت، کار خویش را به نحو احسن انجام دهند. بدیهی است در چنین شرایطی مأموران مالیاتی هم خواهان امنیت شغلی، رفاه اقتصادی و وجهه اجتماعی همانند قاضی هستند



## سازمان امور مالیاتی کشور

چرا که حقوق همان قاضی از صندوقی تامین می‌شود که مأموران مالیاتی آن خزانه را پر کرده‌اند. در سفارشی که حضرت علی به مالک دارد می‌فرماید: که خراج گذاران را به نوعی دیگر نگاه کن. و سهمی از خراج را برایشان تامین کن. نگاه حضرت امیر به خراج‌گذاران (مأموران مالیاتی) به نحوی است که حساسیت این کار را به مالک گوشزد می‌کند ولی متأسفانه در سازمان برنامه‌ریزی کشور و حتی مسوولان خود سازمان مالیاتی این اعتقاد هنوز جا نیفتاده و باور ندارند که بین وظایف دستگاهها با توجه به نوع کار، در حساسیت آن تفاوت وجود دارد. با اینکه در آیین‌نامه سازمان پیش‌بینی شده بود که یک فوق‌العاده شغل خاص را به مأمورین مالیاتی اختصاص دهند، اما تا به حال این امر محقق نشده است.

در تمام دنیا با اشاره به حساسیت و ظرافت کار و نظر به امنیت شغلی آن به مأموران مالیاتی که سهم بزرگی در تامین بودجه کشور دارند نگاه ویژه می‌شود و با اقدامات موثر انگیزه کار را در آنها بیشتر می‌کنند که همین انگیزه به عنوان یک محرک قوی جلوی ارتشاه را گرفته و خود به تنهایی قابل اعتنا است. اما همین قشر زحمتکش که نگاه‌های جور واجوری بدرقه راهش است تا زمان نگارش همین مقاله پاداش‌های واقعی نیم‌درصد از وصول مالیات را به صورت حقیقی دریافت نمی‌کنند و حق مسکن و حق بهره‌وری از کار که در حکم کارگزینی‌شان آمده است تمام و کمال به ایشان پرداخت نشده و پاداش‌های سه ماهه هم با حداقل ممکن پرداخت می‌شود.

## دستگاه نظارتی و اطلاع رسانی بر امور مالیات

دستگاه‌ها نظارتی جزء در مواردی که مؤدی مالیاتی ذی‌حق است، تنبیه انضباطی را سرلوحه

کار خود دارند و به علت اصلی و زیربنایی موارد نقض قانون توجه نمی‌کنند. در راستای اطلاع‌رسانی هم روابط عمومی سازمان کم‌کار و بی‌اثر بوده است جز در تیرماه هر سال. باید دید در طی سال این اداره مهم در اطلاع‌رسانی مالی چه کارهای ارزشی و رسانه‌ای درستی انجام داده است. مگر نه این است که نیروی انتظامی در یک پروسه زمانی و هدفمند با ساخت تیزرهای تبلیغاتی خود موفق بوده و توانسته است فرهنگ رانندگی را تا حدود بسیار زیادی بهبود بخشد. روابط عمومی باید روی قشر جوان و فعال جامعه و آینده‌سازان و حتی کودکان برنامه‌ریزی کند تا آنها بدانند مالیات‌گیری و مشارکت در آن، برای چیست و اهداف مشخص گردد.

## فرهنگ سازی برای مشارکت

توجه داشته باشیم فرار مالیات هنوز هم یکی از رموز موفقیت یاد می‌شود نه یک گناه نابخشودنی. پس کار از ریشه مشکل دارد. چگونه می‌توان روی مالیات، چه گیرنده آن و چه دهنده آن حساب باز کرد. نه مودیان توجیه و باور دارند که مالیات یک مشارکت در جهت آبادی کشور است و نه درآمدی مانده که بتوان با آن کاری انجام داد. فقط فشارهای روانی است که روی کادر تشخیص سنگینی می‌کند. نقش مدیریت و سازماندهی در این میان بس سنگین و تخصصی است که باید از جامعه‌شناسان، روانشناسان و اقتصاددانان در این عرصه بهره گرفت. بدین ترتیب با تحول نظام مالیات‌گیری و فرهنگ‌سازی درست، شاید بتوان ادعا کرد در پایان برنامه چهارم توسعه، بودجه مملکت از طریق مالیات تامین شود و درآمد حاصل از نفت که یک ثروت ملی است و به آیندگان نیز تعلق دارد، خرج پروژه‌های زیربنایی کشور شود و نه صرف امور جاری.